گفتاری از استاد رحیم‌پور ازغدی در جمع دانشجویان

ضدیت با آمریکا لازمه پیشرفت درون‌زا

مطلب زیر تلخیصی از بیانات تفصیلی استاد حسن رحیم پور ازغدی در موضوع «پیشرفت درون‌زا، رسالت امروز دانشگاه» است که مردادماه جاری در گردهمایی اعضای اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور ایراد گردیده است:

در قرن گذشته جریان پیشرفت در قشر مذهبی اختلافات عمیقی به بار آورد لذا با توجه به اینکه ایام سالگرد قیام مشروطه است یک نمونه از اختلافاتی را که قبل از دوران مشروطه وجود داشت اشاره می کنم.

دو تعریف از پیشرفت و ترقی توسعه وجود دارد که از ابتدا خواهیم دید که این خط پیشرفت وابستگی و غرب گرایی سرنخ این اختلافات در دربار و سفارت انگلیس و بعدها روسیه و فرانسه و امریکا و اسرائیل هستند. چطور یکباره محل تحصن مشروطه خواهان از حرم عبدالعظیم و حضرت معصومه عوض شد و به سفارت انگلیس تغییر مکان دادند و روحانیون به افرادی مانند تقی زاده، کسروی و افراد وابسته و تربیت شده در مدارس آمریکایی و سفارتخانه های انگلیسی و ... روشنفکران غرب زده تبدیل شدند.

رهبران اصلی مثل شیخ فضل الله که به دار کشیده شدند و آیت الله بهبهانی ترور می شود و افرای چون باقرخان و ستارخان در تهران مورد سوء قصد قرار گرفتند. این افراد چه شد که حذف شدند، بی آبرو شدند و توده مردمی که پایگاهشان مسجد بود، یک باره بی‌تفاوت شدند و افراد دیگر بر سفره مشروطه آمدند و شعارهای دیگر داشتند؟!

این‌گونه اختلافات پیش از وقوع مشروطه وجود داشت؛ از کسانی که ندای شعار پیشرفت در عین وابستگی سر داده بودند تا افرادی که در همین سال ۸۸ مانیفست به اصطلاح پیشرفت ارائه دادند.

حزب مشارکت همین گروه مانیفست بود که مجلس ششم را تماماً در اختیار داشت و در دولت نفوذ زیادی داشت. اکنون هم کم کم فعال شدند و برخی موارد حضور دارند، اینان تا قبل از این سابقه، مذهبی های انقلابی بودند اما به دلیل وادادگی شخصیتی و نیز پر نبودن سواد اسلام برای آنها به جهت مقابل متمایل شدند. در دهه شصت مرکز بچه های انقلابی و اسلامی انجمن اسلامی بود چرا که هنوز بسیج و جامعه اسلامی و انجمن مستقل وجهی نداشت و یا مثال آن هم تشکیل نشده بود.

ولایی ترین، حزب اللهی ترین جوانان در سنگر انجمن اسلامی حضور داشتند که در دانشگاه با لیبرال ها، مجاهدین خلق، کمونیست ها، سلطنت طلبان و مائوئیست ها مبارزه می کردند، در جبهه حضور داشتند و همین افراد مؤسسات انقلابی و سپاه و ... را راه می انداختند و دست آخر همین ها هم بودند که ترور شدند و به شهادت رسیدند.

عده ای به اسم انجمن اسلامی مدتی دفتر تحکیم وحدت را مصادره کردند اما آن چیزی که در دهه ۶۰ تحت عنوان دفتر انجمن اسلامی بود، بچه های انقلابی و حزب اللهی ما بودند. آن جریان های دیگری که آمدند افرادی بودند که وابسته به منافقین و کمونیسم و لیبرال ها بودند و بسیار افراد خشنی بودند، در کردستان برای تجزیه کشور می جنگیدند و در دانشگاه فعالیت تبلیغاتی می کردند، کتک می زدند و می گفتند ما را نزنید، تاکتیکشان این بود که کتک می زدند و همان لحظه می گفتند "آی ما را زدند"!

اولین کسانی که الگوی تئوری پیشرفت را در دنیا آوردند و پیشرفت بدون وابستگی به غرب، بدون پیروی از آنها امکان ندارد و باید زیر سایه غرب رفت، اتفاقاً خود غربی ها بودند.

این ایده که وابستگی شرط پیشرفت است از کلوپ های روشنفکری به اصطلاح فراماسونری و سفارتخانه های غربی بیرون آمد، افرادی که تئوریسین های اولیه این الگوی پیشرفت بودند، اولین مانیفست غرب زده پیشرفت را این افراد می گفتند همه چیز را باید تغییر دهیم تا با این نوع توسعه وابسته به غرب یکسان شود و همین طور دین را نیز بازسازی کنیم.

اگر قرار بود ایران پیشرفت از نوع غربی کند، باید در زمان پهلوی پیشرفت می کرد. چون حکومت ایران، رسانه هایش، آموزش و پرورش آن، صددرصد ایران در اختیار آمریکا و اسرائیل و انگلیس شد. نتیجه اش این بود که وقتی که انقلاب آمد و رژیم سقوط کرده، دیگر ایران در هیچ حوزه ای تولید کننده نبوده. نه تولید کننده علم و نه صنعت. در یکی دو تا از مسایل صنعتی مونتاژ کار و وارد کننده بود. ایرانی که نیم قرن در رژیم پهلوی بود، در کدام حوزه پیشرفت می کرد که شما می گفتید پیشرفت؟ با آن همه ثروتی که داشت. که روزی هفت میلیون بشکه نفت بیرون می آمد و تمامش برای غرب می رفت.

در کدام رشته ی علمی در زمان قبل از انقلاب، ایران توانست کاری انجام دهد؟ در کدام عرصه اقتصادی، ایران تولید کننده شد؟ یا صادر کننده شد؟ هر چه هم از غرب داشت، همه از بین رفت. کل تولیدات نابود شد. ایران مصرف کننده و واردکننده محض شد. از تمدن، فقط اخلاق تجددش را داشتند و طوری شد که در همه شهر ها فاحشه خانه، مشروب فروشی، دیسکو، رقص به سبک اروپایی و غربی شد. پیشرفت، عریان شدن دختر و پسر در خیابان بود!

رسماً مرد و زن با لباس های نامناسب به خیابان ها می آمدند. تمام رستوران ها مشروب داشتند. این کل پیشرفتی بود که ایران قبل از انقلاب کرد. معلم ما در کلاس مدرسه راهنمایی هر روز از ما در مورد این که چند دوست دختر دارید، می پرسید.که ما دستمان از این جهت خالی بود! اسم ما را می نوشت و به حالت مسخره می گفت اینها شیخ های کلاس اند. این ها مثلاً جزو پیشرفت های ما در زمان شاه بود!

*** مگر کسی مخالف تعامل با جهان است؟ مگر ما با جامعه جهانی قهر بوده ایم که بخواهیم آشتی کنیم؟ جامعه جهانی کیست؟ ۱۲۰ کشور غیرمتعهد که مسایل هسته ای را به نفع ما رای دادند. این ها جامعه جهانی نیستند؟ آیا جامعه جهانی فقط آمریکا، اسرائیل، انگلیس و فرانسه است؟!**

این پیشرفت وابسته تمدن نیست. عقلانیت فعال نمی شود. تولید علم، تولید کشاورزی، تولید صنعت در آن نیست. همه اش واردات، ترجمه، سقوط اخلاقی در لباس پوشیدن و داشتن دوست دختر و اینها و در کل تقلید کردن از آن‌ها بود. این کل پیشرفت ایران به علاوه وابستگی بود. می گفتند جامعه جهانی و جهان آزاد، فقط همین آمریکا و انگلیس و همین چهار پنج کشور هستند. اینها جامعه را در این صد و پنجاه سال به خاک و خون کشیدند و غارت کردند. بمب اتم دارند، خودشان هم زدند اما از ما می خواهند که انرژی مسالمت آمیز هسته ای نداشته باشیم. هم در شورای امنیت و هم خودشان جنگ راه می اندازند و غارت می‌کنند. در همین قضایای فلسطین و عراق این ها هستند که این کارها را می کنند. الان هم متاسفانه یک عده ای را می بینیم که در نظام ما هستند، بعضا سوابقی در انقلاب و نظام هم داشتند، و الان می گویند تعامل با جامعه جهانی! مگر امام با جامعه جهانی مشکل داشتند؟ مگر انقلاب اسلامی با جامعه جهانی مشکل داشت؟

مگر کسی مخالف تعامل بوده؟ آشتی با جامعه جهانی! انگار ما با جامعه قهر بوده ایم. جامعه جهانی کیست؟ ۱۲۰ کشور غیرمتعهد که مسایل هسته ای را به نفع ما رای دادند. این ها جامعه جهانی نیستند؟ آیا جامعه جهانی فقط آمریکا، اسرائیل، انگلیس و فرانسه است؟ فقط جامعه جهانی ۵+۱ است؟ اینها وقتی می‌گویند جامعه جهانی، منظورشان این هاست. وگرنه چه کسی در جهان با این هاست؟ الان می‌بینیم در قضایای غزه چه اتفاقاتی دارد می افتد. ۱۵۰ کشور که علیه اسرائیل راهپیمایی می کنند، این ها جامعه جهانی نیستند؟ چه کسی با جهان مشکل داشته؟ با چهار تا کشور جلاد مشکل داشتیم و داریم و خواهیم داشت. ما با اینها نمی خواهیم آشتی کنیم. اینها آشتی نمی خواهند، اینها تسلیم شدن می خواهند. برده می خواهند.

می گفتند خط و الفبای لاتین را در کشور باب کنیم؛ تا کشور بتواند پیشرفت کند. این ها بعد تبدیل به پرچم داران مشروطه خواهی و اصلاحات در دین و پروتستانتیسم اسلامی و پدر ملی‌گرایی و ... می شوند. یکی از آنها تقی زاده بود که کسی که می گوید: پیشرفت درون زا معنی ندارد و قبول و ترویج تمدن اروپا بلاشک و قید و تسلیم شدن مطلق به اروپا، اخذ افکار، آداب و رسوم از اروپا حتی زبان و همه ایرادات بی معنا را باید کنار گذاشت و این وطن پرستی ها کاذب است. یعنی اگر بگویید دین و مذهب، زبان، ادبیات و تاریخ و استقلال می گویند این ها وطن پرستی کاذب است ما واقعا وطن پرست هستیم. این ها پدران مدرنیته ایرانی بودند که سلسله آن ها از نوع مذهبی و غیر مذهبی هنوز ادامه دارد.

این خط را بشناسید، این خطی است که می گفتند ما تا وقتی که زبانمان انگلیسی نشود یعنی مثل کشور هند بچه ها از وقتی دنیا می آیند زبانشان انگلیسی نشود، این کشور پیشرفت نخواهد کرد. حتی بعضی از این ها گفتند آموزش خط و زبان فارسی اگر تا مدتی ممنوع نشود، نمی توان آموزش زبان انگلیسی را در جامعه نهادینه کرد و بدون این آموزش امکان پیشرفت نیست. این ها چنین آدم های عجیب و غریبی بودند. نمونه دوم، نمونه دوران خودمان است. آنچه برای شما آوردم که بخوانم فاصله اش با آن حرف ها بیش از ۱۰۰ سال است.

این حرف را گروه هایی نوشتند که بعضی از آنها در نظام و حکومت مسئولیت داشتند و بعضی از آنها هنوز هم دارند و بعضی از آنها سوابقی را در انقلاب داشته اند. این چنین افرادی، یک مانیفستی نوشتند که سال ۸۸ براساس این عمل کردند. الان ظاهراً غیرقانونی اعلام شدند اما دارند کارهای خود را انجام می دهند، نشریه و روزنامه می دهند و فعالیت دانشگاهی دارند بعضی از آنها در وزارتخانه‌های آموزشی کشور مسئولیت دارند و پشت پرده تصمیم گیر شدند. من برای شما عین متنی را می‌خوانم که نویسندگان این متن زنده هستند و در روزنامه‌ها و سایت‌ها مطلب می‌نویسند و فعال هستند و هیچ کدام از این‌ها نمی‌گویند که ما ضد ایران و انقلاب هستیم و همه آنها می‌گویند ما ایران را می خواهیم و نظام و قانون اساسی را قبول داریم و جمهوری اسلامی باید باشد اما پیشرفت را ببینید چطور تفسیر می کنند.

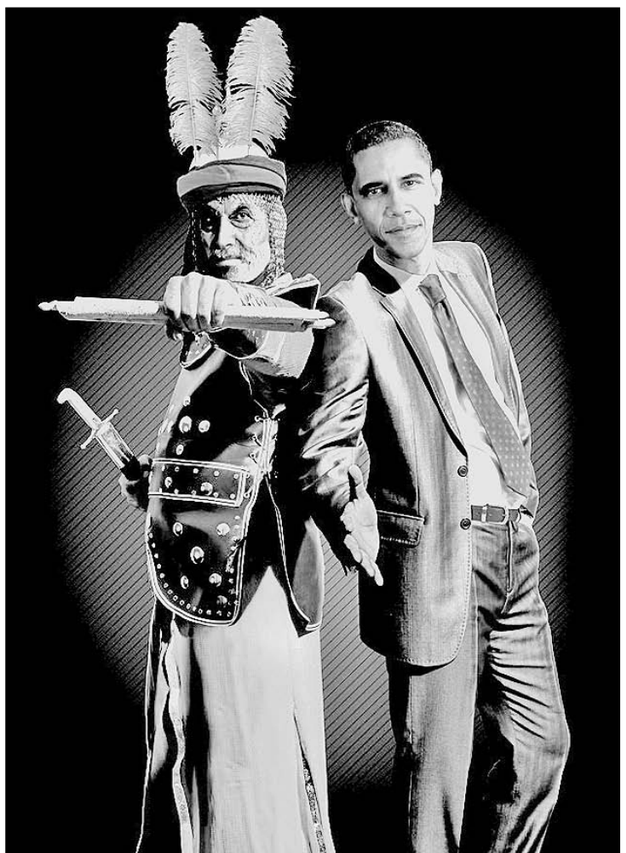

*** امام(ره) صریح می گفتند هر وقت دیدید که می خواهند شعار مرگ بر آمریکا، اسرائیل را و مرگ بر استعمار و استکبار را بردارند، بدانید انقلاب می خواهد منحرف شود، مگر اینکه آنها تغییر ماهیت داده باشند که می بینیم آنها تغییر ماهیت نداده اند چراکه آمریکا از زمان امام هم دارد بدتر عمل می‌کند**

یکی از توصیه هایی که بیان کرده اند این است: "اصلاح قانون حمایت از سرمایه گذار خارجی یعنی باز کردن و صاف کردن جاده برای حضور مطمئن کمپانی‌های اقتصادی و سرمایه داری آمریکایی و غربی."

شما زمانی می گویید که با یک کمپانی خارجی قراردادی می‌بندیم چون طرف در این حوزه تخصص و سرمایه و تجربه دارد و ما یک قرارداد عادلانه می بندیم تا در زیر نظر ما و در برنامه جامع ما یک پروژه را در کشور انجام دهد. این اشکالی ندارد و ما مشکلی با این قرار داد و کمپانی نداریم و ما نمی گوییم که رابطه با کمپانی ها قطع شود و خودمان از صفر شروع کنیم نه، اعتقاد ما این است که با همه شرکت ها و کمپانی ها جمیع جهات باید کار کرد منتهی او نباید روی ما کار کند بلکه ما باید روی آن کار کنیم، او باید در پروژه ما باشد ما نباید در پروژه آنها عمل کنیم. سرجمع یک قرارداد و فعالیت اقتصادی در کشور باید به نفع ملت ایران باشد. حقوق و منافع و عزت و کرامت و استقلال کشور باید رعایت شود.

قراردادهای خارجی اقتصادی دو گونه است، یک زمانی آنها می آیند و روی شما مسلط می شوند و شما غارت می شوید و منافع او بر منافع ملت ایران اولویت پیدا می کند که این خیانت است و این کاری است که آنها می کردند و این ها هم الان می‌گویند کمپانی های خارجی، سرمایه گذار خارجی مشکلات دارد و باید مشکلات آن را حل کنیم.

همین چند روز پیش دیدم یکی از همین آقایان گفت: "این‌هایی که می گویند استقلال، این ها در دانشگاه های سطح پایین درس خوانده اند. اگر کسی در دانشگاه های معتبر در انگلیس درس خوانده باشد او می فهمد که استقلال یک مفهوم قرن ۱۹ یا اوایل قرن ۲۰ بود که آنجا هم شاید یک بخشش توهم ایدئولوژیک تحت تاثیر کمونیسم بود و امروز جامعه جهانی یک جامعه یکپارچه است و استقلال معنا ندارد. جامعه یک بازار جهانی است و ما باید خودمان را جزو این بازار تعریف کنیم."

*** وادادگان داخلی می گویند با دموکرات های آمریکا می‌شود کنار آمد. در پاسخ به این عده باید گفت مگر کودتای ۲۸ مرداد در زمان دموکرات‌ها اتفاق نیفتاد؟ مگر انقلاب اسلامی ملت ما که هزاران کشته داد در دوران ریاست جمهوری کارتر دموکرات نبود؟!**

اگر این طور باشد باید خودمان را جزو برده‌های آن تعریف کنیم، اگر راست می گویید و عرضه دارید خودتان را جزو ارباب‌هایش تعریف کنید چرا این ملت را جزو برده ها تعریف می کنید؟ می گویند این ها در دانشگاه های سطح پایین درس خوانده اند و علمی به قضایا نگاه نمی کنند. از این حرف ها رکیک‌تر هم دارند بعضی از این ها می زنند و کتاب نوشتند و مقاله های آنها موجود است.

می گویند دنیا ۴۰ و ۵۰ کمپانی اصلی در مسائل مختلف از نفت تا هواپیما وجود دارند که بر جهان مسلط هستند بعضی از آنها برای اسرائیل هستند ولی اگر بخواهی کار کنی باید با آنها کار کنی. این ها هم با کسی کار نمی کنند مگر اینکه مقداری غارت کنند. شما اگر یکی از شرط های سرمایه گذار کمپانی خارجی را این بگذارید که این ها بر ما نباید هیچ نوع تسلطی پیدا کنند و باید منافع ملت ایران صددرصد لحاظ شود این ها نمی آیند. اگر بخواهید شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل بدهید این‌ها نمی‌آیند. یعنی این ها به شرط حرمت و کرامت ملت ایران و استقلال شما نمی آیند. ما هم که نمی توانیم. کسی که در دانشگاه سطح پایین درس بخواند می گوید ما می توانیم.

امام (ره) صریح می گفتند هر وقت دیدید که می خواهند شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را و مرگ بر استعمار و استکبار را بردارند، بدانید انقلاب می خواهد منحرف شود. مگر اینکه آنها تغییر ماهیت داده باشند که آنها تغییر ماهیت نداده اند. از زمان امام(ره) آمریکا دارد بدتر عمل می کند.

امام گفت اگر قدرت های دنیا اگر در برابر دین ما بایستند ما در برابر دنیای آنها خواهیم ایستاد. امام گفتند ما منافع آمریکا و صهونیست را در جهان اسلام در سراسر دنیا به خطر خواهیم انداخت آنها حق ندارند منافعی در خاک ما داشته باشند. فرمود تمام انقلابیون جهان ایران را وطن دوم خود بدانند.

اینها گفتند تنش و دشمنی با دنیا درست نیست، خجالت می‌کشند اسم امام را بیاورند چون مدعی پیروی از خط امام هستند. این افراد همان کسانی هستند که در هنگام زمامداری، در قضیه افغانستان و عراق با سازمان سیا کاملا همکاری کردند تا عراق و افغانستان اشغال شوند تحت عنوان اینکه ما با صدام و طالبان مخالف هستیم چراغ سبز دادند و امریکایی ها هم افتخار می کردند!

اینها می گویند مفهوم حاکمیت ملی عوض شده است و انتخابات باید در داخل طوری باشد که سیاست خارجی را تغییر بدهد یعنی سیاست خارجی زمان امام بحث بود مسئله فلسطین، جهان اسلام، ارتباط با آمریکا و استکبار باید انتخابات طوری باشد که سیاست خارجی را تغییر دهد محور باید سیاست خارجی باشد محور منافع ملی است یعنی صحبتی از ایدئولوژی و منافع ملی را نباید کرد!

جمله های دیگرشان در مانیفست را می خوانم: "سیاست‌های کلیشه ای علیه آمریکا را باید کنار گذاشت، تصمیم شجاعانه ملی لازم است."

می گویند آمریکا همسایه ما شده است و باید آن را به رسمیت بشناسیم. شعار کلیشه ای ندهید، این ها حرف هایی است که در سال ۷۸، ۷۹، ۸۰ و ۸۷ و ۸۸ زده اند. امروز آمریکا همسایه ما شده است خب همسایه شد و ما در عراق بیرونشان کردیم، فشار ما و انقلاب اسلامی آنها را بیرون کرد، نگاه یکسان به نیروهای داخل آمریکا نباید داشت، برخی می گویند با برخی آمریکایی می‌شود کنار آمد، باید گفتگوی صریح با بخش هایی در پارلمان و نهادهای و نهادهای غیرافراطی (دموکرات) آمریکا داشت.

شما می دانید حزب دموکرات با حزب جمهوری خواه فرقشان گاهی در ادبیاتشان است. چامسکی می‌گوید: «فرق جمهوری خواه و دموکرات آمریکا و فرق حزب محافظه کار و حزب کارگر در انگلیس مثل فرق پپسی‌کولا و کوکاکولاست.»

آن ها در اصول و اهداف و منافع یکسان هستند. همه آن ها هم به کمپانی سرمایه داری واحدی وصل هستند. در رسانه ها فقط ادبیاتشان و زبانشان در بعضی از جاها فرق می کند. می دانیم که کودتای ۲۸ مرداد در زمان حزب دموکرات اتفاق افتاد. انقلاب اسلامی ملت ما که هزاران هزار کشته داد در زمان کارتر دموکرات بود. دموکرات یا جمهوری خواهشان عملاً یکی اند.

دانشگاه در جبهه - ۷۸

دانشجوی شهید فضل‌الله دهاقین

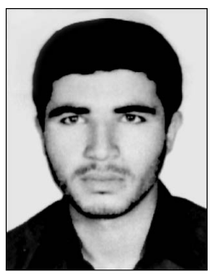

شهید فضل‌الله دهاقین در سال ۱۳۴۳ در شهر خوانسار متولد شد. کلاس اول ابتدایی را در همان شهرستان گذراند و پس از آن به همراه پدر و مادر و خانواده به شهر مقدس قم رفتند. از آن جا که دارای اخلاق نیکو و حافظه خوبی بود، همیشه شاگرد ممتاز کلاس محسوب می شد.

با اوج گیری مبارزات مردمی علیه رژیم ستم شاهی، ایشان نیز هم پای امت حزب الله، در تظاهرات و راه پیمایی ها شرکت فعال داشت.

برای اولین بار در سال ۱۳۶۱ به جبهه رفت. پس از بازگشت از جبهه در امتحانات سراسری تربیت معلم شرکت کرد و به مرکز تربیت معلم رباط‌کریم راه یافت. پس از چند ماه درس خواندن مجدداً در سال ۱۳۶۲ به جبهه رفت. پس از سه ماه بازگشت و به تحصیل ادامه داد. در همین زمان بودکه در کنکور سراسری در رشته زبان فرانسه در دانشگاه اصفهان پذیرفته شد.

وی سرانجام در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۵ پس از سال‌ها تلاش و کوشش صادقانه در راه خدا و برای یاری دین خدا در جبهه فاو از ناحیه سر، هدف ترکش قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

در گوشه هایی از وصیت نامه شهید دانشجو «فضل‌الله دهاقین» می‌خوانیم:

درود بر روشنگر راه ما، امام خمینی(ره) و سلام بر هادی او حضرت حجت ابن الحسن(عج). درود بر تمامی خدمت گزاران اسلام، درود بر شهیدان راه خدا و درود بر معلولین و مجروحین و اسراء، که فقط به خاطر اسلام، تمام هستی خود را بر کف نهاده و تقدیم اسلام عزیز می نمایند.

اولین پیام به عنوان سربازی کوچک از سربازان امام، به ملت عزیز این است که ای عزیزان، به خدا قسم امام(ره) شما یک فرد معمولی نیست، پس او را از تمام دنیا و از هستی خویش برتر بدانید.

به راستی کدام پیر ۸۰ ساله ای است که درباره آینده اسلام و انقلاب سخن بگوید و تمام سخنانش یکی پس از دیگری به مرحله عمل درآید. کدام پیر هشتاد ساله ای است که قلب هزاران هزار جوانان یک مملکت را مجذوب خویش سازد و کدامین قلب آرامی است که در مقابل قدرتمندان جهان نلرزد و شاهدیم که در این مورد قلب امام(ره) آرام ترین قلب هاست.

ای جوانان عزیز، خطابم بیشتر به شماست. مخصوصاً به بعضی جوانانی که هنوز وقت خود را در کوچه و خیابان بیهوده تلف می کنند و قدرت و توان خود را صرف جهاد در راه خدا نمی کنند. می خواهم بگویم که فکر کنید و بنگرید تمام کسانی که از دنیا رفته اند مثل شما چشم ها و گوش ها و زلف زیبایی داشتند، اما ببینید همه اینها فناشدنی است و بهترین شاهد ما کسانی هستند که در جوانی نفس اماره را پایمال نکرده اند و در هنگام پیری سخت پشیمانند.

پیام دیگرم به دانشجویان و دوستانم در دانشگاه است که عزیزان، من هم مانند شما درس می خواندم و حتی با خود عهد کرده بودم که درس بخوانم و بدون انحراف از خط امام(ره) بتوانم در آینده به انقلاب اسلامی خدمت کنم، اما اگر می خواستم از خط امام(ره) منحرف نشوم، چگونه می توانستم پیام جهاد امام(ره) را نادیده بگیرم و چه کسی تضمین می کرد که در آینده پیام‌های مهم تر او را کنار نزنم؟! و اگر اسلام در این برهه از زمان خدای ناکرده شکست بخورد، دیگر می خواهم نباشم که در آینده چه‌ها کنم. پس شما هم بکوشید که علم را با عمل توأم سازید که با یک بال پرواز میسر نیست.

پیام دیگرم به پدر و مادر بسیار عزیز و مهربانم است، از این که نتوانستم عصای پیری شما باشم و از این که در کودکی و نوجوانی هم جز رنج و زحمت برای شما حاصلی نداشتم، معذرت می خواهم و خدا را گواه می گیرم که اگر لایق بهشت بودم، بی شما به بهشت نخواهم رفت.

پیگیری‌ها نتیجه داد

جوابیه دانشگاه آزاد به خبر کیهان

پیرو انتشار خبر «دانشجویان در آب؛ دانشگاه آزاد در خواب» در شماره ۲۰۸۴۵ از صفحه دانشگاه روزنامه کیهان، مرکز اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی با صدور جوابیه ای، نسبت به این مطلب واکنش نشان داد.

بر این اساس دانشگاه آزاد اسلامی در پی ابهامات به وجود آمده درخصوص مدرک تحصیلی دانشجویان واحدها و پردیس‌های علوم و تحقیقات بعد از طرح تجمیع در واحدهای مادر طی اطلاعیه‌ای به ابهامات موجود پاسخ داد.

پس از اینکه دانشگاه آزاد اسلامی اقدام به تجمیع واحدها و پردیس‌های علوم تحقیقات کرد، در زمینه صدور مدرک تحصیلی برای دانشجویانی که در حال فارغ التحصیلی هستند و یا فارغ‌التحصیل شده‌اند، ابهاماتی به وجود آمد که مدیرکل پیگیری‌های ویژه این دانشگاه برای شفاف سازی موضوع توضیحاتی برای دانشجویانی که نگران چگونگی فارغ التحصیلی خود هستند، ارائه داد.

در این اطلاعیه آمده است: «نظر به فرآیند تجمیع تشکیلاتی واحدها و پردیس‌های علوم و تحقیقات و ابهامات به وجود آمده بین دانشجویان در خصوص نحوه صدورمدارک فارغ التحصیلی آن دسته از واحدها و یا پردیس‌های علوم تحقیقات فارغ التحصیل می‌شوند، به اطلاع می‌رساند، مدارک فارغ التحصیلان ورودی سال ۹۳ و قبل از آن، در واحدها وپردیس‌های علوم و تحقیقات به نام همان واحد یا پردیسی که دانشجو درآن پذیرفته شده است صادر می‌شود و مدارک فارغ التحصیلی دانشجویان ورودی سال ۹۴ و بعد از آن به نام واحد دانشگاهی تجمیع شده صادر خواهد شد.»

با وجود این، ضمن تحسین آمیز بودن این پاسخگویی به موقع، شایسته بود تا دانشگاه آزاد اسلامی پیش از رسانه ای شدن مشکلات مبتلابه بسیاری از فارغ التحصیلان واحدهای علوم و تحقیقات، در جهت رفع آن ها اقدام می نمود.

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه، دانشجویان و طلاب محترم:

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی مرتبط با مقولات دانشگاهی و دانشجویی استقبال می‌کند.

علاقه‌مندان می‌توانند فایل حروفچینی شده مطالب مدنظر و نوشته‌های خود را به رایانامه Daneshgah@Kayhan.ir ارسال نمایند.

بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار مقالات ارسالی، آزاد است.

معیار اعمال میزان اعتدال

«شما [غربی‌ها] که هرچه دارید از علم و دانش، شیمی و فیزیک و فلسفه مدیون اسلام هستید. تنها شناخت ویژگی‌های اخلاقی امیرالمؤمنین علی(ع) کافی است تا جهان بر خود ببالد و به شیعه افتخار کند.»

«یک عده شعار می‌دهند ولی بزدل سیاسی‌اند؛ هر وقت می‌خواهد مذاکره شود یک عده می‌گویند داریم می‌لرزیم. خوب به جهنم، بروید یک جای گرم برای خودتان پیدا کنید.»

هر دو نقل قول فوق از فرموده های ریاست محترم جمهوری جناب حجت الاسلام دکتر حسن روحانی بود که در همایش روسای نمایندگی های ایران در خارج از کشور ایراد فرمودند.

در جمله نخست ایشان شناخت ویژگی های اخلاقی مولی الموحدین و امام المتقین حضرت علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) را مایه فخر و مباهات، نه تنها برای شیعیان بلکه برای تمام جهان بیان می کنند و صد البته که مطلب حق و سخن بسیار بجایی است.

نکته ای که بسیار قابل توجه است این است که ریاست محترم جمهور که هم در اسم و هم در رسم روحانی هستند و به عنوان دومین مقام رسمی کشور در قانون اساسی معرفی شده اند بیش از هر شخصی بایست ویژگی های اخلاقی امام علی(ع) را نه در میدان فراخ سخن، بلکه در صحنه کردار و عمل اجرا نمایند، تا هم همان خارجیان را با تشیع و رفتار علوی آشنا سازند و هم برای مردم عزیز و علی دوستمان به عنوان حجت الاسلام و الگویی شایسته که گفتار و رفتارشان معرّف عالم دینی است، مایه فخر ومباهات باشند.

به راستی چه کسی بهتر و بالاتر از امام علی(ع) می تواند معیار و میزان سنجش گفتار و کردار شیعیان که با افتخار ایشان را به عنوان میزان الاعمال باور دارند، باشد؟!

با توجه به این مطلب آنچه جای تأسف دارد فراز دوم سخنان ریاست محترم جمهور است که با عصبانیت منتقدان مذاکرات هسته ای را با عباراتی که در شأن و مقام ایشان نیست توصیف می نمایند و آنها را بزدلان سیاسی خطاب کرده و برای راحتی از دست آنان، ایشان را به جهنم حواله می دهند!

این‌گونه سخن نه تنها با شعار اعتدال سازگار نبوده و با مشی تدبیر و اعتدال همخوانی ندارد، بلکه از ویژگی های اخلاقی امام علی(ع) هم که رئیس جمهور دم از آن می زنند نیز کاملاً فاصله دارد.

برای پی بردن به این مطلب فقط کافی‌است به سرمایه گرانسنگ و بسیار ارزشمند به جای مانده از حضرتش که امام راحل عظیم الشأن(ره) در وصف آن فرمودند: «ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر بوده و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات از جانب امام معصوم ما است»؛ نگاهی بیاندازیم.

در نامه ۵۳ نهج البلاغه شریف که معروف به عهد نامه مالک اشتر است، امام علیه السلام شیوه مواجهه با دشمن را اینگونه به کارگزار خویش آموزش می دهند:

«از صلحی که دشمنت به آن دعوت می کند و خشنودی خدا در آن است روی مگردان، زیرا صلح موجب آسایش لشگریان و آسودگی خاطر آنها و امنیت شهرهای توست ولی پس از صلح به کلی از دشمن حذر کن، چه بسا که دشمن برای غافلگیر کردن تن به صلح دهد. در این زمینه طریق احتیاط گیر، و به راه خوش‌گمانی قدم مگذار.»

امام هشدار می دهند که نسبت به دشمنی که با شما از در صلح وارد شده خوشبین مباشید.

حال ما چه کنیم با دشمنی که نه تنها از باب دوستی و خیرخواهی به دیدار ما نمی آید، که حقد و کینه و عداوتش را بعد از هر نشست و مذاکره ای به رخ می کشد و به تعبیر امام راحل(ره) خوی استکباری و ظالمانه او هیچ‌گاه نسبت به ما کاهش نیافته و مادامی که ما به دنبال اسلام ناب محمدی(ص) و پیرو سیاست ناب علوی(ع) باشیم این دشمنی ادامه خواهد داشت.

برای اثبات این سخن، استناد به نطق ها و کنفرانس ها و گفت و گوهای سران شیطان بزرگ، راهنما خواهد بود، چه آنکه جناب آقای روحانی چندی پیش خود به این مسأله اذعان داشته و گفتند: «تا زمانی که بنیان سیاست خارجی آمریکا حمایت از ظلم است، امیدی به مساعدت آمریکا وجود ندارد.»

پس آیا سزاست کسانی را که براساس مشی علوی از غافل شدن از دشمنی دشمن و نگاه خوشبینانه به آنها نگرانند را بزدل نامید و بر آنها پرخاش کرد و آنها را به جهنم فرستاد؟! یا نکند نعوذ بالله شجاع‌ترین انسان‌ها و پیروز مطلق جنگ‌ها نیز وقتی صحبت از مذاکره است می ترسد و می لرزد؟! و یا زبانم لال علی(ع) از مسیر اعتدال خارج شده و جزء افراطیون به حساب می آیند؟!

در پایان فرازی دیگر از این عهدنامه جاودانه مالک اشتر را به امید توجه از بیش از پیش تمامی سیاسیون و دستاندرکاران نظام بدان، متذکر می شویم:

«خشم و شدت و غضب و سرکشی و قدرت و تیزی زبانت را در اختیار گیر و از تمام این امور به بازداشتن خود از شتاب در انتقام و تأخیر انداختن حمله و سطوت، خود را حفظ کن تا خشمت آرام گردد و عنان اختیارت را مالک شوی و هرگز حاکم و مسلط بر خود نخواهی شد تا اینکه بسیار به یاد بازگشت به خداوند بیفتی. بر تو واجب است که به یاد حکومت های عدل پیش از خودباشی و نیز لازم است که به روش های خوب یا اثری که از پیامبرمان(ص) رسیده یا فریضه ای که در کتاب خداوند است توجه نمایی. پس به آنچه که دیدی ما براساس آن عمل کردیم اقتدا نمایی و در دنبال کردن آنچه که در این عهدنامه برایت مقرر کردم و به وسیله آن حجت را بر تو تمام نمودم کوشش کنی تا برای تو به هنگام شتاب نفس به سوی هوا و هوس بهانه و عذری نباشد.»

*** آیا سزاست کسانی را که براساس مشی علوی از غافل شدن از دشمنی دشمن و نگاه خوشبینانه به آنها نگرانند را بزدل نامید و بر آنها پرخاش کرد و آنها را به جهنم فرستاد؟! یا نکند نعوذ بالله شجاع ترین انسان‌ها و پیروز مطلق جنگ‌ها نیز وقتی صحبت از مذاکره است می ترسد و می لرزد؟!**

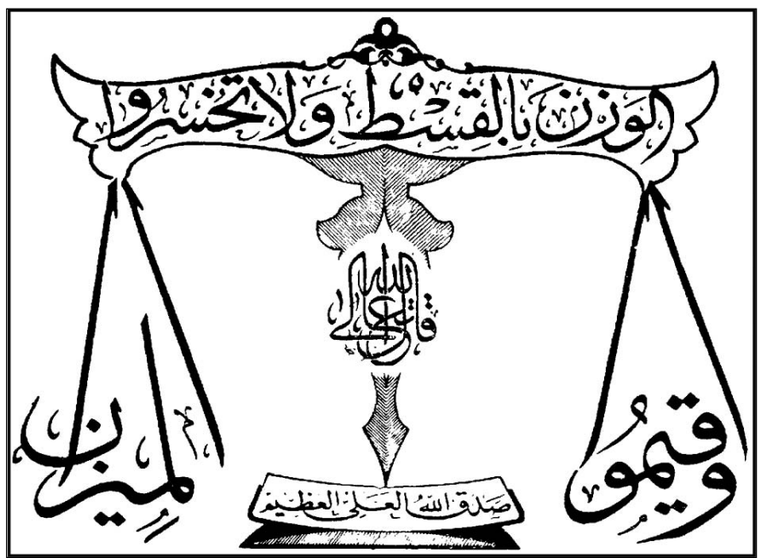

*** علیرضا یوسفی راستگو / طلبه حوزه علمیه و دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف**